

بخش اول : مدیریت سرمایه

مدیریت سرمایه یکی از مهمترین قسمتهای معامله است. اگر این قسمت را مدنظر نداشته باشید مطمئنا نمیتوانید از حساب خود نگهداری کنید.

مدیریت سرمایه راه حفاظت از حساب شما است. خیلی ساده است شما باید از حساب خودتان محافظت کنید. این کار با مدیریت کردن ریسک میسر میشود. قبل از اینکه شما معامله ای انجام دهید باید حساب کنید چقدر از سرمایه ی خودتان رو میتوانید ریسک کنید.

چون خیلی مهم است یک بار دیگه میگویم : قبل از هر معامله ای باید حساب کنید چقدر سرمایه دارید و چقدر از سرمایه ی خودتان را میتوانید ریسک کنید.

چقدر باید ریسک کنم؟

من توصیه میکنم همیشه به میزان ۲٪ از سرمایه ی خودتان رو ریسک کنید. من این مقدار را دوست دارم چراکه به راحتی میتوانم به اندازه ی ۵٪ از سرمایه ی خودم رو در هفته به عنوان سود بدست بیاورم.

Rob Booker)همیشه میگه کسی که به اندازه ی ۲۵٪ از سرمایه ی خودش رو از دست بده کاملا محتمله که کل سرمایه ی خودش رو از دست بده)

معامله کردن به هیچ عنوان ماشین پول سازی سریع نیست بلکه یک روش کند برای بدست آوردن سود از بازار است.

کسی که به میزان کافی صبر داشته باشد همان شخص موفقی است که قبلا گفته شد. همیشه به خاطر داشته باشید که میزان ریسک خودتان رو تعیین کنید قبل از هر معامله چراکه همین معاملات بالانس حساب شما رو تغییر میدهند.

فرض کنیم شما ۵۰۰۰۰\$ سرمایه دارید و میخواهید به اندازه ی ۱٪ از سرمایه ی خودتان رو ریسک کنید. پس شما میخواهید ۵۰۰\$ ریسک کنید و اگر میخواهید به اندازه ۱ لات معامله کنید باید حد ضرر خودتان رو ۵۰ پیپس تعیین کنید.

بخش مهمتر تعیین میزان ریسک به سود میباشد . (Risk Reward Ratio) اگر حد سود شما در معاملات ۳ برابر حد ضرر شما باشد (یعنی ۱۵۰ پیپس) اگر در نصفی از معاملات خودتان هم ضرر کنید بازهم در کل سود کرده اید.

یک نکته ی کلیدی در مدیریت سرمایه این است که شما باید در مواقعی که اوضاع امن هست میزان لات معامله ی خودتان را بالا ببرید.

به طور مثال شما وقتی ۱ ماه سود کرده اید بهترین وقت برای افزایش میزان حجم معاملات شماست و مطمئن باشید که به میزان کمی حجم معاملات خود را بالا ببرید. افزایش به میزان زیاد نشان داده شده که از نظر روانی به عدم موفقیت خواهد انجامید.

در این قسمت ویدئویی خواهید دید برای تمرین در مدیریت سرمایه:

ویدئو

دوستانی که قادر نیستند ویدئو را رو مشاهده کنند به زودی ویدئویی در سایتی که فیلتر نیست قرار خواهم داد .

بخش دوم: پلان معاملاتی

اولین چیزی که یک معامله گر نیاز دارد یک پلان و استراتژی برای معاملاتش است. دقیقاً مانند طرح و هدفی که برای انجام تجارت نیاز هست. این مورد هم با تجارت هیچ تفاوتی ندارد پس همیشه به خاطر داشته باشید با تردید کردن مثل یک بیزینس و تجارت رفتار کنید.

جمله‌ی معروفی هست که میگوید "اگر طرح و برنامه‌ی ای ندارید پس قطعاً برای شکست خود برنامه‌ریزی کرده‌اید" پلان معاملاتی شما باید جامع و فراگیر باشد و به همه‌ی مسائل پیش رو فکر شده باشد. این پلان باید نوشته شود و بارها مورد بازبینی قرار بگیرد.

ممکن است سوال بپرسید "پلان من لازم است چه چیزهایی را شامل شود؟"

من لیستی را آماده کرده‌ام که ممکن است در طراحی پلان به شما کمک کند:

1. اهداف و طرزتفکر شما

2. بروکر و پلتفرم معاملاتی

3. سیستم و یا استراتژی معامله

4. قوانین مدیریت سرمایه

همچنین ممکن است که مدارکی از معاملاتی که انجام داده‌اید جمع‌آوری کنید تا بتوانید هرچه بهتر پلان خودتان را آنالیز کنید (این کار باعث میشود تا نتایج شما در بلندمدت بهبود پیدا کند)

همچنین باید مراحلی چون واریز پول به حساب و یا برداشت از آن را هم لیست کنید و همچنین طرحی که برای استفاده از سودی که بدست آورده‌اید دارید را نیز بنویسید.

"آیا میخواهید تردید کردن شغل اصلی شما باشد؟"

اگر اینچنین است پس باید مخارج خودتان را نیز یادداشت کنید و تعیین کنید چه میزان سود در ماه باید بدست آورید تا جوابگوی خرج و مخارج باشد و شما را به یک معامله گر موفق تبدیل کند. تردید کردن به این آسانی که فکر میکنید نیست و همانطور که مبینید طرحها و برنامه‌های زیادی را شامل میشود.

وقتی که پلان شما آماده شد آن وقت باید آنرا چاپ کنید و بازبینی کنید و ببینید چقدر طبق اهداف شما است. در این مرحله شما باید قسمتهایی از پلان را که فکر میکنید در مورد شما کار نمیکند و جوابگوی اهداف شما نیست را تغییر دهید. پلان معاملاتی را روی سنگ نمی‌نویسند پس هر جا که مشاهده کردید نیاز به تغییرات دارد آنرا اعمال کنید.

اگر مشکلی در طراحی پلان خود داشتید با من تماس بگیرید تا خط‌مشی فکری لازم را به شما بدهم.

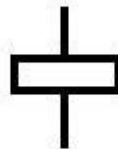
بخش سوم : الگوهای شمعی ژاپنی

در این بخش سعی دارم تا مهارت و علم شما اندکی افزایش بدهم تا هرچه بیشتر به موفقیت نزدیک شوید. در این بخش من چند الگوی ژاپنی را که نشان دهنده ی نقاط ورود بسیار خوبی خواهند بود را شرح میدهم. اگر این پترنها به موقع استفاده شوند نقطه ی اطمینان شما برای کسب سود در بازار خواهند بود. تمامی این پترنها نشان دهنده ی نقاط ورود در استراتژی ما خواهند بود.

-دوجی (Doji): این کندل نشان میدهد که در طول مدت زمان آن کندل تغییرات از ابتدا تا انتهای کندل بسیار اندک بوده است. شکل این پترن را درعکس زیر میبینید:



NEUTRAL



BULLISH



BEARISH

دوستان همگی مطمئنا با این الگو آشنا هستید پس توضیحات رو نخواهم داد ولی نکته ای که بسیار بسیار مهم است این است که یک دوجی نشان دهنده ی احتمال برگشت روند قیمت است ولی فقط احتمال آن! ظاهر شدن یک دوجی در چارت نشان دهنده ی تلاش قیمت برای ادامه دادن با روندش است. پس یک دوجی باید در زمان و محل مناسب انتخاب شود تا نقطه ای مناسب باشد.

-همر (Hammer): هم نشان میدهد که قیمت قبلا برای مدتی پایین آمده ولی ناگهان می ایستد و جهت عوض میشود. استراتژی ما این است بعد از همر وارد بازار میشویم اگر کندل جدید در جهت خلاف روند گذشته تشکیل شده باشد.



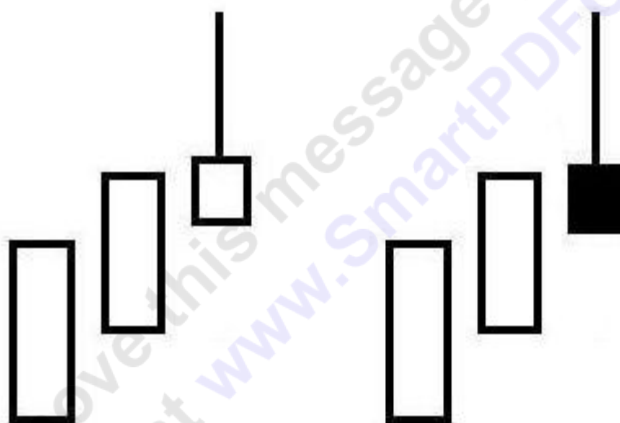
شکل همبر:



HAMMER

-شوتینگ استار: (Shooting Star) این کندل مانند همبر است ولی برای جهت روندی که رو به بالا بوده و میخواهد عوض شود می باشد.

شکل این پترن:



SHOOTING STAR

این کندل به Morning Star نیز معروف است.

Engulfing- این پترن هم پترن آشنایی است که همگی حتما میشناسید.

شکل این پترن:



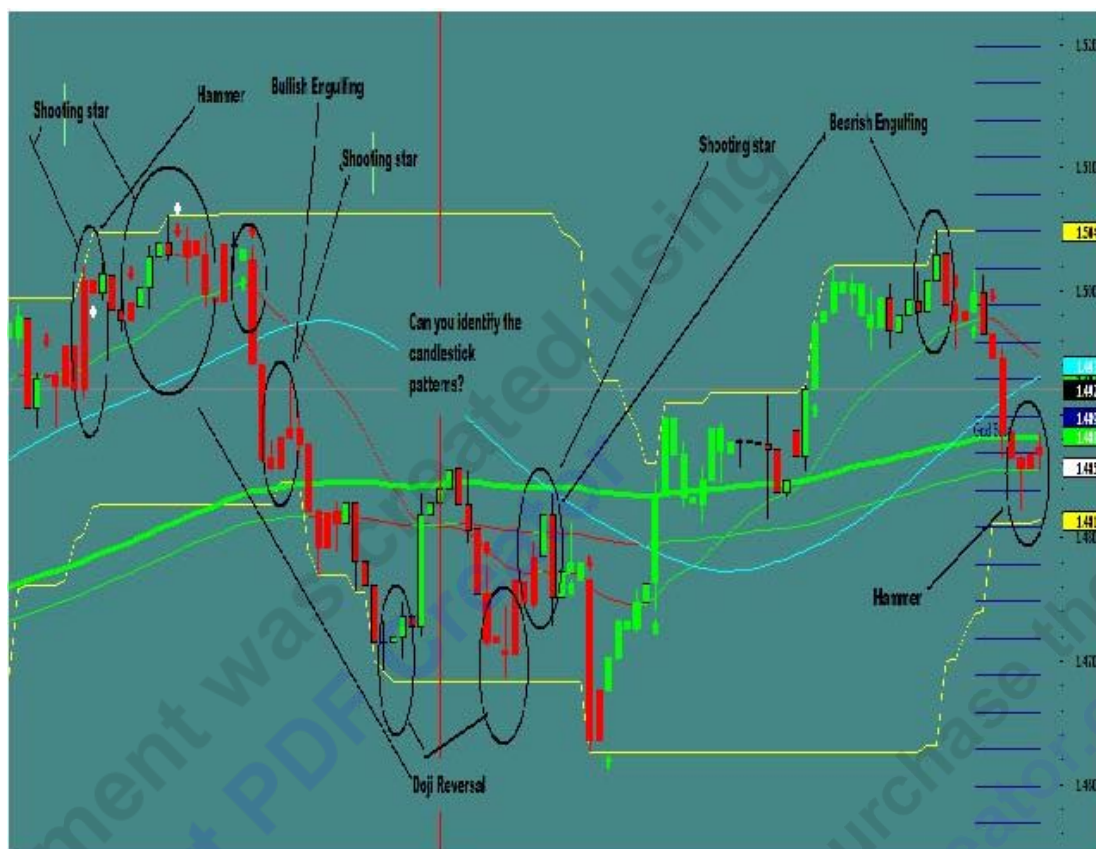
این پترن نشان دهنده ی برگشت روند است از آنجایی که کندل قبلی و یا کندل‌های قبلی توسط یک کندل غیر هم رنگ خورده میشوند.

استفاده از این پترنها در روش معاملاتی خود

سعی کنید تا روی حساب مجازی چند مورد از این پترنها را تشخیص دهید و بر اساس آن وارد بازار شوید. در بخش های بعدی توضیح خواهیم داد که چگونه این پترنها را با استفاده از خطوط حمایت و مقاومت استفاده کنید.

در شکل زیر مثالی از این پترنها را مشاهده میکنید:





نکته ی مهم در این پترن‌ها "دم" یا "فیتله" این کندل هاست. اگر کندل‌ها دم بزرگی داشته باشند نشان می‌دهد که برگشت قیمت به سرعت انجام خواهد شد و احتمالاً قیمت به سطح حمایت یا مقاومت برخورد کرده است. این نقاط بهترین نقاط ورودی خواهند بود.

بخش چهارم: تایم فریم معاملاتی

این قسمت هم بخش مهمی در معاملات می باشد چراکه باید تایم فریمی که بیشتر برای شما مناسب است را انتخاب کنید. من به هیچ عنوان به شما توصیه نمیکنم که از تایم فریم H4 استفاده کنید فقط به این دلیل که خودم از این تایم فریم استفاده میکنم. خیر به هیچ عنوان! شما خودتان باید ببینید چه نوع روشی برای شما مناسب تر است و تایم فریمی که بیشتر با آن راحت هستید را انتخاب کنید.

من سه نوع تریدر را به شما معرفی میکنم تا در تصمیم گیری به شما کمک کند:

1. بلند مدت

2. میان مدت

3. کوتاه مدت

تریدرهای بلند مدت

این افراد با چارتهای روزانه - هفتگی و حتی ماهیانه کار میکنند و پوزیشنهای خودشان را هفته ها و یا ماه ها نگه میدارند. این افراد مبالغ زیادی برای سرمایه گذاری دارند و همچنین نیازی به دسترسی به حسابشان در طول ماه ندارند. همچنین این افراد باید از حدود ضرر بسیار بزرگی استفاده کنند و باید بتوانند چند هفته و یا چند ماه برگشت قیمت و ضرر را تحمل کنند. اگرچه این افراد فرصتهای کوچک و حرکات کوچکتر قیمت را از دست میدهند ولی در بلند مدت سود بسیار خوبی از بازار کسب میکنند.

تریدرهای میان مدت

این افراد معاملات خودشان را ساعتها نگه میدارند و میتواند تا یک هفته هم به طول بینجامد. این افراد در تایم فریم ۴ ساعته بیشتر کار میکنند. از مزیتهای این تایم فریم این است که فرصتهای معاملاتی بیشتری نسبت به حالت قبلی وجود دارد و همچنین احتمال اینکه برگشت قیمت بسیار بزرگی در پوزیشنها ایجاد شود کمتر است. این افراد به سرمایه کمتری نیاز دارند چراکه حدضررهای کوچکتری نسبت به حالت قبل نیاز دارند.

تریدرهای کوتاه مدت

این افراد معاملاتی مختلفی در روز انجام میدهند و معروفند به "اسکالرها". این افراد مدت زمان زیادی را در روز جلوی چارت هستند و این روش تمرکز بالا می طلبد و ممکن است منجر به خستگی شود. از مزیتهای این روش استفاده از حدود ضرر بسیار کوچک است و این افراد در تایم فریمهای M1, M5, M15, M30, H1 کار میکنند.

بخش پنجم : استفاده از خطوط روند

خطوط روند نوعی از خطوط مقاومت و حمایت میباشند که در صورت شکسته شدن نشان دهنده ی تغییر در جهت حرکتی جفت ارز میباشند.

در چارت زیر مثالی از خطوط روند رو به بالا و رو به پایین را مشاهده میکنید.



استفاده از خطوط روند به تنهایی کارایی چندانی ندارد و آنها در کنار خطوط حمایت و مقاومت و مطالبی که در ادامه گفته خواهد شد اطمینان کافی را پیدا میکنند.

بخش ششم : خطوط حمایت و مقاومت

پیدا کردن سطوح حمایت و مقاومت یکی از مهارت‌های بسیار مهم در تحلیل تکنیکال می‌باشد. تاريف سطوح حمایت و مقاومت کاملاً مشخص است و فقط در اینجا به بیان چرایی استفاده از این خطوط می‌پردازم: قیمت دارای خاطره است و هربار که در سطحی بایستد و تغییر جهت بدهد بسیار محتمل است که بازم این کار را در آینده انجام بدهد. این سطوح نقاط بسیار خوبی برای ورود و یا تعیین حد سود و ضرر هستند. هنگامی که یک خط حمایت یا مقاومت میشکند آن خط به خط مقاومت یا حمایت جدید تبدیل خواهد شد. مثالی از چارت USD/JPY که مربوط به چندروز پیش است را در شکل زیر می‌بینید که به صورت واقعی پوزیشن گرفته شد:

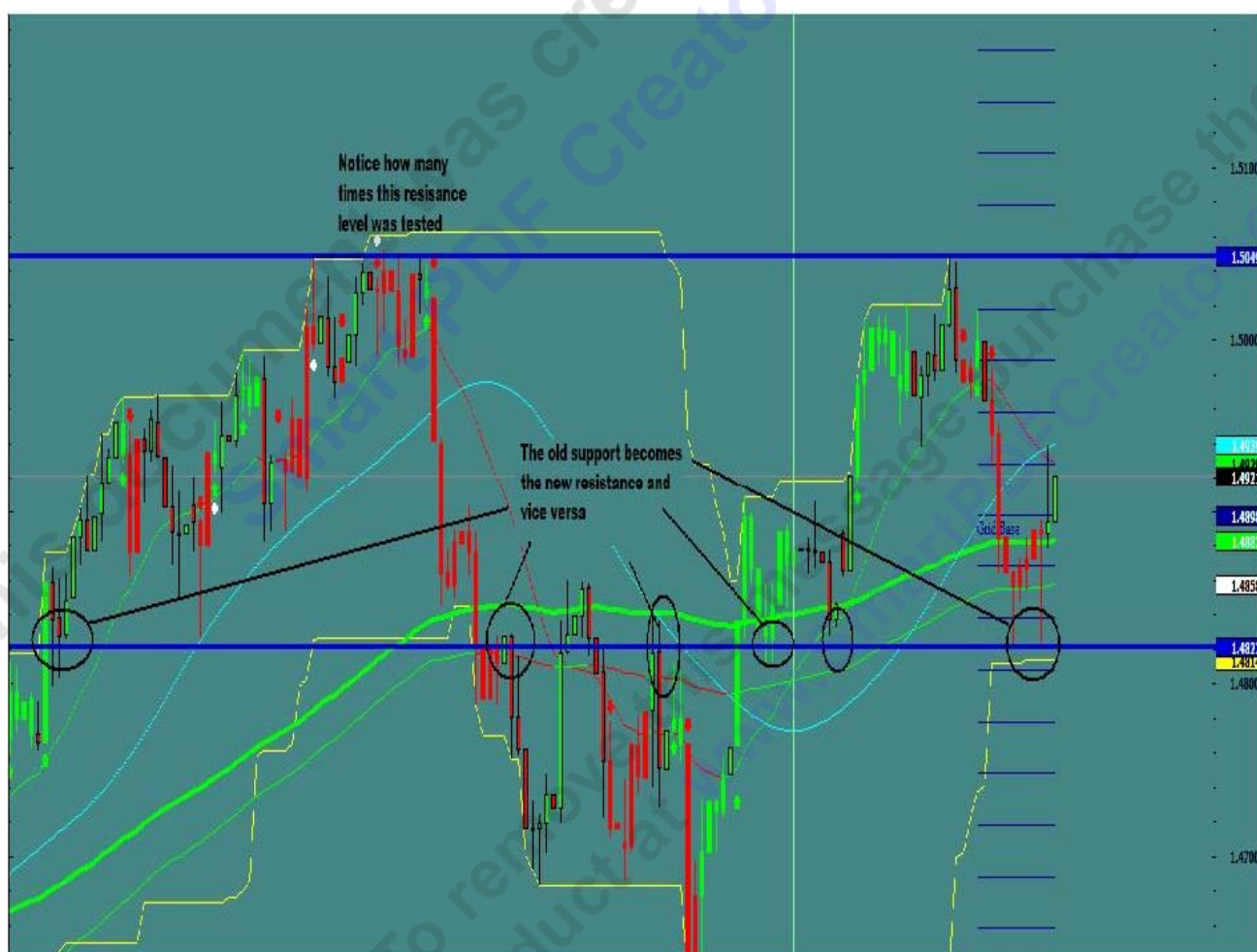


قدرت خطوط

نکته ی مهم در استفاده از این خطوط توجه به قدرت این خطوط حمایت و مقاومت است. نمودار قیمت هرچه بیشتر به این سطوح قیمت برخورد کرده باشد این سطوح قدرت بیشتری پیدا میکنند و هرچه قدرت این خطوط بیشتر باشد معامله گران بیشتری به این سطوح قیمت نگاه میکنند.

نکته ی اصلی هم درست همین جاست! معامله گران بیشتری به این سطوح نگاه خواهند کرد

میدانید چرا تحلیل‌های تکنیکال همیشه درست از آب در نمی آید؟ چون همه ی معامله گران از اندیکاتورها و چارتهای شما استفاده نمیکنند! نکته ی مهم در این بازار شناسایی نقاطی مطمئن است که درصد زیادی از افراد به این نقاط می نگرند. در شکل زیر یکی از این مثالها را مشاهده میکنید و میبینید که قیمت ۴ بار با این سطح برخورد کرده.



در این گونه موارد بهتر است که دم کندل های به خطوط برخورد کرده و سریعاً برگردند تا اینکه بدنه ی کندلها از این خطوط عبور کند و سپس برگردد.

استراتژی ما در مواجهه با این سطوح استفاده از الگوهای شمعی ژاپنی جهت تشخیص تغییر روند میباشد.

بخش هفتم : آمادگی برای خرید و فروش

در این قسمت قصد داریم تا توضیحاتی در مورد انواع پوزیشنهایی که توسط Michael Storm مسئول بخش معاملات زنده در شرکت ارائه میشوند بدهیم. با این سیگنالها آشنا شوید تا بتوانید پوزیشنهای سوددهی را از این طریق پیدا کنید.

سیگنال فروش:

سیگنالی توسط کندلها به شما داده میشود و بیانگر این است که جهت حرکت در حال تغییر است. این سیگنالها را میتوانید در هر تایم فریمی استفاده کنید.

1. اولین چیزی که منتظرش خواهیم بود حداقل ۳ کندل رو به بالا است. (هرچه تعداد این کندلها پشت سرهم و رو به بالا بیشتر باشد سیگنال نیز قوی تر خواهد بود)
2. بعد از آن منتظر میشویم تا سطح قیمت پایین تر از نقطه ی مینیمم کندل قبل (Low) برود.
3. در آن نقطه وارد پوزیشن میشویم.



در شکل مشاهده میکنید که چند کندل رو به بالا تشکیل شده که از حداقل ما یعنی ۳ عدد بیشتر است. بعد از آن مشاهده میشود که یک کندل قرمز به گونه ای تشکیل شده که از مینیمم (LOW) کندل آخر پایین تر آمده و بسته شده است. آن نقطه میتواند نقطه ی ورود برای فروش باشد.

سیگنال خرید:

1. اولین چیزی که منتظرش خواهیم بود حداقل ۳ کندل رو به پایین است. (هرچه تعداد این کندلهای پشت سرهم و رو به بالا بیشتر باشد سیگنال نیز قوی تر خواهد بود)
2. بعد از آن منتظر میشویم تا سطح قیمت بالا تر از نقطه ی ماکسیمم کندل قبل (High) برود.
3. در آن نقطه وارد پوزیشن میشویم.



در شکل مشاهده میکنید که ۶ کندل رو به پایین تشکیل شده است و بعد از یم مندل رو بالا به گونه ای تشکیل شده که بالاتر از ماکسیمم کندل قبلی بسته شده است. آن کندل نشان دهنده ی برگشت روند خواهد بود و بهترین نقطه ورود برای خرید.

بخش هشتم : استفاده از میانگینهای متحرک

استراتژی معامله ی ما در Winners Edge trading شامل استفاده از ۳ میانگین متحرک میشود.

میانگینهای متحرک ۲۰۰ روزه - ۴۰ روزه و ۲۰ روزه (Simple - Close) .

هدف از استفاده از این میانگین متحرکها:

1. کمک در تشخیص خطوط مقاومت و حمایت

2. بالابردن اطمینان در لحظه ی ورود به بازار

3. تشخیص جهت روند

4. شناسایی نقاط مناسب برای تعیین حدسود

تکنیک استفاده از میانگین های متحرک در همه ی تایم فریم ها جواب میدهد.

هدف ما پیدا کردن سیگنالهای خرید و فروش درست در نقاطی است که قیمت به این میانگینهای متحرک برخورد میکند البته بعد

از تشخیص جهت روند بازار.

در چارت زیر مثالی را برای حالتی که جهت روند رو به پایین است مشاهده میکنید.





در این حالت ما منتظر حرکت قیمت به سمت یکی از این میانگین های متحرک خواهیم شد و چون این میانگین متحرکها مثل خطوط حمایت/مقاومت عمل میکنند بهترین نقاط ورودی ما به بازار خواهند بود. در چارت بالا ما ۶ نقطه ی ورود به بازار داریم که هرکدام به نوبه ی خودش فرصت معاملاتی فوق العاده ای هستند.



معامله بر خلاف جهت روند:

در حالت کلی ما از میانگین های متحرک برای معامله در جهت روند استفاده میکنیم ولی گاهی اوقات که سطح قیمت فاصله ی زیادی تا این میانگین متحرکها پیدا میکند میتوان بر خلاف جهت روند وارد بازار شد. در این حالت رسیدن به میانگین متحرکها میتواند به عنوان حدسود ما تعیین شود از آنجایی که این میانگین متحرکها مثل آهنربا قیمت را به خودش جذب میکند. در چارت زیر مثالی از این روش را مشاهده میکنید:

